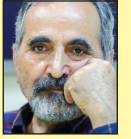


منتقد اصولگرایی و معترض اصلاح طلبی

تقی آزادارمکی

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه



دکتر افروغ، دانش‌آموخته‌های بود که ۵ ویزگی عمده به لحاظ جامعه‌شناسی داشت. نخستین ویزگی اینکه

که او ابزارهای لازم برای تبدیل شدن به یک جامعه‌شناس را داشت که نخستین آن علاقه است. علوم اجتماعی در جامعه ما اولویت نیست اما مرحوم افروغ از روز نخست با علاقه و هدف وارد علوم اجتماعی شد. اینگونه نبود که فرصت دیگری نداشته باشد و از سر اضطرار به جامعه‌شناسی روی بیاورد. او همچنین به زبان انگلیسی مسلط بود و جهان غرب را می‌شناخت و از سوی دیگر با جهان فقه نیز آشنا بود و در جامعه ایرانی زیست کرده بود. ویزگی مهم دیگر او این بود که درگیر قدرت، سیاست، فرهنگ، دین و به‌طور کلی اتفاقات اجتماعی شد که زمینه خوبی برای او به‌عنوان جامعه‌شناس فراهم کرده بود. این ۵ ویزگی عمده را هر جامعه‌شناسی باید داشته باشد. باین زمینه‌ها وقتی فرد به جامعه‌شناسی می‌آید باید دانش جامعه‌شناسی را به خوبی بخواند و از آن بهره‌برداری کند؛ کاری که دقیقاً دکتر افروغ انجام داد.

وقتی آقای افروغ دانشجوی دکتری بود من مدیر گروه دانشگاه تربیت مدرس بودم. او همزمان که در عرصه علمی وارد شده بود کنشگر فعال جامعه‌شناسی هم بود و بر حوزه مورد علاقه خود متمرکز شد. همین امروز دانشجویانی در مقطع دکتری داریم که باید به آنها یاد بدهیم که مسئله شما چیست و در چه حوزه‌ای می‌خواهید کار کنید. دکتر افروغ اما از همان ابتدا با مسئله بود و نهایتاً در حوزه جامعه‌شناسی نابرابری وارد شد و بحث جدی و علمی خود را آغاز کرد. در این مسیر او مولف، مترجم، کارگزار و کنشگر بود و همه مختصات یک جامعه‌شناس را که بتواند طرح و حل مسئله کند و همزمان دانش را هم پیش ببرد داشت. بسیاری از جامعه‌شناسان ایرانی این مختصات را ندارند و بیشتر در قالب یک بوروکرات جلوه می‌کنند و کارمند دولت هستند. دکتر افروغ در آغاز یک موضع کاملاً افراطی و رادیکال داشت و به همین دلیل از دانشگاه تربیت مدرس رفت و سپس باز هم جای کار خود را تغییر داد. این سرگشتگی و فشار در آغاز به دلیل گرایش‌های سیاسی او بود. در مرحله آغازین علمی، دکتر افروغ در ایجاد رادیکالیسم سیاسی و علمی بسیار مؤثر بود و حتی از برخی نامزدهای انتخابات حمایت تام و تمام کرد. از سوی دیگر بر خورد تندی نیز با مخالفان و رقبای خود داشت اعتقاد دارم که او اگرچه نقدشدن را چندان نمی‌پذیرفت اما در موضع نقد بسیار قوی بود و همه عناصر داخل نظام اعم از اصولگرایی رادیکال و بوروکرات را نقد می‌کرد. در حوزه فرهنگی هم منتقدی بود که مابین اصولگرایی و اصلاح طلبی قرار گرفته بود. امروز در جامعه بسیار نیاز به این روحیه و گفت‌وگو با یکدیگر داریم. جامعه ما پیش از این دو گانه در ستیز بود اما امروز یگانه فروخته در خود شده است. در جامعه دو گانه در ستیز ممکن بود یک طرف پیروز شود و طراوت و شادی ایجاد کند. اما جامعه یگانه در خود شده امروز در رخوت و بی‌حالی است که در نهایت دل‌سردی و ناامیدی ایجاد می‌کند. بنابراین امروز به افرادی نیاز داریم که دوگانگی سیاسی را رقم نزنند بلکه به سمت چندگانگی فرهنگی، اجتماعی و اندیشه‌ای حرکت و در مسیر ایجاد آن تلاش کنند. مرحوم افروغ یکی از کسانی بود که تکیه بر اصولگرایی داشت، منتقد اصولگرایی و معترض اصلاح طلبی بود. پس دقت کنید که تکیه‌گاه افروغ اصولگرایی بود در عین اینکه منتقد اصولگرایی هم بود.

فضای شهری و نابرابری اجتماع



نویسنده: عماد افروغ
ناشر: نشر علم

کتاب «فضا و جامعه» برای دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی و کارشناسی گرایش‌های مختلف رشته‌های جامعه‌شناسی و جغرافیا و حتی معماری به‌عنوان کتاب مرجع و درسی قابل استفاده است. این کتاب مشتمل بر ۳۳۸ صفحه است و ۶ فصل دارد، فصل اول «فلسفی‌اندیشی فضایی»، فصل دوم «آرای اجتماعی فضا» و فصل سوم آن «نظریه‌های فضای شهری» عنوان گرفته است. در ۳ فصل بعدی کتاب فضای شهری و نابرابری، عماد افروغ به تریب درباره «اجتماع نظریه‌های نابرابری اجتماعی»، «جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن» و همچنین «تمرکز فقر و خرده فرهنگ کجرو» مطالبی را ذکر کرده است.

هویت ایرانی در گذر تاریخ



نویسنده: عماد افروغ
ناشر: نشر علم

بعد از پیشگفتار احمد اشرف، مقدمه عماد افروغ را بر کتاب «هویت ایرانی در گذر تاریخ» می‌خوانید و آنگاه بررسی و مرور و نقد و ارزیابی فصل به فصل کتاب «هویت ایرانی» آغاز می‌شود. افروغ مبنای بحث خود را درباره کتاب «هویت ایرانی» بر ترجمه دکتر حمید احمدی از این کتاب قرار داده است و بر همین اساس مرور و بررسی کتاب را با مرور و بررسی مقدمه مترجم بر آن و سخن از مقاله، یکی از گزاره‌های و دیگری از شاوور شهبازی که حمید احمدی آنها را بر ترجمه فارسی کتاب احمد اشرف افزوده است آغاز می‌کند و بعد از آن به بررسی مقدمه نویسنده (احمد اشرف) می‌پردازد.



گفت‌وگو

افرادی مثل افروغ می‌خواهیم که اهل تملق و چاپلوسی نباشند

گفت‌وگو با علی مطهری از پیداپنهان شخصیت عماد افروغ

زهرامهرن‌راد علی مطهری، نماینده پیشین مردم تهران در مجلس شورای اسلامی بود. او فرزند یکی از بزرگ‌ترین متفکران عصر حاضر ایران است و بدون شک اظهاراتش درباره شخصیت جامع‌الاطراف مثل عماد افروغ خواندنی است.

آقای افروغ یک سیاستمدار کم‌نظیر در سپهر سیاسی ایران بود که مورد وثوق افراد مختلف قرار گرفت، از طیفی مثل آقای صفارهرندی تا فردی مثل حاج آقا محمدعلی ابطی او را تحسین کرده و گرامی داشتند. عماد افروغ چه کرد که چنین جامعیت همه‌جانبه‌ای در وثوق پیدا کرد؟ شاید علت آن این باشد که مرحوم آقای افروغ به اصول ثابتی پایبند بود و حرف خودش را بدون ملاحظه گروه‌ها و جناح‌های سیاسی بیان می‌کرد و به خوشامد و بدآمد آنها توجهی نداشت و به عبارت دیگر تعصب گروهی نداشت و بر آن بود که آنچه را که حق تشخیص می‌دهد بیان کند. ایشان معتقد بود که حقیقت نباید فدای مصلحت شود و به‌خاطر پافشاری بر این مطلب در نطقی که در اواخر مجلس هفتم داشت، مورد حمله قرار گرفت. ایشان را می‌توان اصولگرای اصلاح طلب دانست که علاوه بر اینکه به اصولی پایبند بود، یکی از اصولش اصلاح طلبی بود. به عبارتی اصولگرایی منهای اصل



اصلاح طلبی معنی ندارد و اصلاح امور هم بدون آنکه متکی به اصولی باشد به انحراف کشیده می‌شود. لذا هر دو جناح سیاسی، او را از خود می‌دانستند.

عماد افروغ یک پشتوانه علمی قوی از حوزه جامعه‌شناسی داشت. این تسلط علمی در ظهور و بروز کنش‌های سیاسی او چگونه نمود پیدا کرد؟

بله، ایشان در واقع یک جامعه‌شناس بود ولی جامعه‌شناسی که با معارف اسلامی هم آشنا بود، با قرآن و نهج‌البلاغه مانوس بود و اینطور نبود که حرف‌های جامعه‌شناسان غربی را در بست و بدون ارزیابی قبول کند. ایشان علاقه شدیدی هم به آثار استاد شهید آیت‌الله مطهری داشت و تسلط نسبی بر این آثار داشت. طبعاً ترکیب جامعه‌شناسی و آشنایی با معارف اسلامی تأثیر مثبتی در مواضع سیاسی و اجتماعی ایشان داشته است.

افروغ بر خلاف خیلی‌هایی که برای پست و مقام تلاش می‌کنند، در اوج پختگی و اقبال در مجلس هفتم، حاضر نشدند در دوره هشتم کاندیدا شود و به نوعی سیاست را پس زد. ریشه و علت این اقدام به نظر شما چه بود؟ علاقه اولیه ایشان کار فکری و ایده‌پردازی و تحقیق بود. حتی تدریس در دانشگاه را رها کرد چون آیین‌نامه‌های دانشگاه را دست و پاگیری دانست و می‌خواست به‌طور آزاد تفکر و تحقیق کند و بنویسد. یادم هست خبرنگاری از ایشان پرسید اکنون که در مجلس و دانشگاه نیستید چه کار می‌کنید؟ ایشان گفت روشنفکری می‌کنم. مقصودش همین تحقیق، نوشتن، گفتن و آگاهی‌بخشی بود. البته نیامدن ایشان برای مجلس هشتم علت دیگری هم داشت و آن این بود که در مجلس هفتم و مخصوصاً اواخر آن از سوی افراد تندرو مورد حمله و اذیت قرار گرفت. برای مجلس نهم هم من خودم از ایشان خواستم که کاندیدا شود. ایشان جمله جالبی ابراز کرد. گفت اگر من مثل شما در مقابل حملاتی که به شما می‌شود خونسرد بودم کاندیدا می‌شدم ولی من اینطور نیستم و در مقابل حملات و توهین‌هایی که می‌شود از کوره در می‌روم و عصبانی می‌شوم.

عماد افروغ در گفت‌وگو صراحت لهجه‌ای خاص داشت و بی‌پروا آنچه در ذهنش بود را بیان می‌کرد و در انتقاد، اهل مصلحت‌سنجی نبود. چقدر کشور ما احتیاج به رواج چنین صحبت‌ها و گفت‌وگوها می‌دارد؟

حتماً ما نیاز به چنین افرادی داریم که اهل تملق و چاپلوسی نباشند و حقایق را بیان کنند و به‌خاطر منافع فردی یا گروهی و یا مصلحت‌سنجی‌های بی‌مورد از اظهار عقیده و بیان حق خودداری و کتمان حقیقت نکنند. مخصوصاً مقامات و مسئولان کشور باید از چنین افرادی به‌عنوان مشاور استفاده کنند تا از واقعیات جامعه مطلع باشند و بهترین راه‌حل را انتخاب کنند.